



از مضور سنگین تا فرار در شب

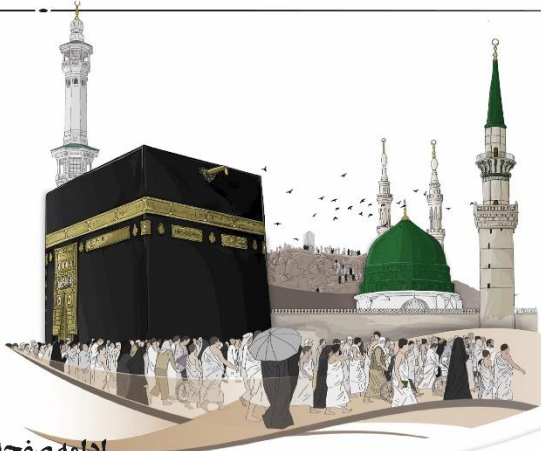
پس منظر، خروج نظامیان امریکا از میدان هوایی بگرام

طیاره های که بر برجهای تجارتی امریکا فرو کویده شدند؛ آن کشور را تا زرفنا و عمق شان تکان جدی بخشید و با «عصبانیت» و «هیجان» توفنده راهی کشور افغانستان گردید، تا انتقام خویش را از القاعده و طالبان بستاند.

امریکا هم پیمانان نظامی و معاهدین خویش را نیز در این فرآیند مبارزه با تروریسم، انسجام بخشیده و به حرکت در آورد. کشورهای عضو «ناتو» به زعامت امریکا و با شعار مبارزه با تروریسم، جهانی وارد جغرافیای این کشور گردید و با حمله های وحشت ناک نظامی از طریق «هوا» و «زمین» بساط تروریسم را به ظاهر در هم پیچید و آنها را متواری ساخته و جمعیت شان را متفرق و پراکنده کردند. امریکا علاوه بر تهاجم وسیع نظامی و حملات گسترده ی مسلحانه؛ از حقوق زنان و اطفال، از آزادی، شایسته سالاری، دیموکراسی و تقویت جامعه مدنی سخن گفتند. جامعه استبداد زده افغانستان و مردمی که همیشه در اسارت حکومت های ملوک الطوائفی قرار داشتند، رفته رفته ی شعارهای فریبنده ی امریکا شدند و آن را فرشته «نجات» دانسته و پنداشتند ...

پیام حزب حرکت اسلامی متحدافغانستان به مناسبت

عید قربان



• فرارسیدن عید سعید قربان را به هموطنان گرامی و به همه ی پیروان «سنت ابراهیمی» که با تاسی از «اشعه ی محمدی» از «ظلمت بسوی نور خارج شده اند» تبریک عرض میداریم و رجمانیدیم که خداوند بزرگ برای عزیزان گرانقدر، نعمت امنیت سبز، را عنایت فرماید...

ادامه صفحه ۲

تحلیل

حاما

ذبح انسان

ویدیوی در شبکه های اجتماعی ذبح یک انسان را نشان می دهد که از جانب قساوت پیشه گان تاریخ اتفاق می افتد. این ویدیو نشانگر ذات متعفن و گندیده ای انسان نما های است که دین را ملعبه ای سیاست وزی های سفکانه خویش قرار داده از لیسیدن خون انسان لذت می برند و ذبح انسان را توجیه شرعی و دینی می نمایند.

جهالت قرون وسطائی گروه متحجر طالب رشه دراعمانی تاریخ دارد که بیشترین با اندیشه های خون آشمان تاریخ پیوند وراثتی دارند، هرگاه مردمان نظاره گر و عاملین جنایت در موقعیت جغرافیائی که این عمل وحشیانه در آنجا اتفاق افتیده است به دقت نگاه کرده دیده می شود که پذیرش جهل وزی های محلی در هماهنگی با فاعلین جنایت که با عادات و کرکتر های مردمان محل مشابهات دارد بستر مناسب رشد جهالت با واژه دین است که در طول تاریخ عدالت و انسانیت را به نام دین ذبح شرعی نموده اند و صدای استعمار در دفاع از دین با قبیح ترین اعمال در حوزه جغرافیائی افغانستان بوده اند.

صهونیسم جهانی، عیاشان و برده داران عرب با تفکر منتها درجه خشونت ستارو نویسان اندیشه های افراطیت درسوزمین های اسلامی بوده که با زورق این اندیشه در کالبد انسان نما های جهال قرون وسطائی اوج سفاکی و قسی القلب بودن سازمان های اطلاعاتی شان را در آینه تاریخ به نام دین به نمایش می گذارند.

سر بریدن ها در عراق، سوریه، نیجریه، لیبی، یمن و این بار در افغانستان گواه اوج جنایت علیه بشریت است که از جانب جهال قرن به نام دین علیه مسلمانان صورت می گیرد و چه درد ناک سکوت متولیان امور دینی در کشور های اسلامی است که اوج مظلومیت دین را می بینند و می شنوند و دم نمی زنند.

سفاکان و خون آشمان تاریخ که لبه ای تیغ جنایت شان را متوجه مردمان بی دفاع و مظلوم افغانستان نموده اند باید بدانند که خرد و اندیشه بر محوریت دین پیرواست و این سنت لاتینتر جامعه بشری است.

خرده اندیشه و تعقل که لازمه ای باورمندی های جامعه بشری و مسلمانان جهان است روزی به افغانستان برخواهد گشت و

اسلام عزیز بیان دوماره مجد و عظمت و آن شکوه عظوفت و مهربانی برای مردمان خسته از جنگ این سرزمین خواهد بود نه اسلام تحجر که پدک کشان جهال قرن به آن باور دارند.

نهنق دست از دامان قاتل برنداشت

دیده باشی لکه های دامن قصاب را

ادامه صفحه ۲



• بعد از ظهر دو شنبه ۱۴۰۰/۴/۲۱ جلسه کاری ریاست شورای ولایتی کابل حزب حرکت اسلامی متحدافغانستان با مسوولین و نمایندگان حوزات حزبی و نهادهای آموزشی با حضور محترم استاد ابوالحسن یاسر رئیس حزب حرکت اسلامی متحدافغانستان در دفتر مرکزی حزب برگزار گردید...

چگونگی نقش و جایگاه؛ حوزات حزبی در تحکیم روابط اجتماعی

نگاهی به آسیب شناسی اجتماعی

قسمت چهارم: شاهجهان احمدی
۷. کج روی طبیعی هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، هیچ گاه به طور کامل و مویه مو مراعات نمی شوند و همواره مقدار انحراف از الگوی ایده آل فرهنگی وجود دارد که چنین انحرافی را کج روی طبیعی می گویند. (۱)
به طور کلی رفتارهای ما در برابر دو دسته از عوامل متضاد قرار دارد: اول طبیعت فردی و دوم فرهنگ جامعه. این دو، نه هیچ گاه ...
ادامه صفحه ۳

دگر گونی ارزش هادرعصر پیامبر اسلام

عزیزالله طهماسی
بدیهی است که با طالع بردرخشش خورشید حیات بخش اسلام در کنش ها و رفتار های اخلاقی مردم حجاز بخصوص باشندگان دو شهر سرنوشت ساز «مکه» و «مدینه»، دگر گونی های «شکرگف» و «شگفت» آوری در اثر آموزه های پیامبر گرامی اسلام رونما گردید، و روح تازه ی در کالبد بی رمق انسان های آن زمان بخصوص به گفته «عمر از گان» مضمویین زمین «!؟» دمید ...
ادامه صفحه ۲

دفاع بایدن از تصدیق فروغ نیروهای آمریکا از افغانستان

پیشاپیش خروج کامل نیروهای آمریکایی از افغانستان، هزاران سرباز افغان به کشورهای همسایه پناهنده شده اند. جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا از تصدیق خود مبنی بر خروج نیروهای این کشور از افغانستان دفاع کرده و گفته است عملیات نظامی آمریکا در افغانستان ۲۱ ماه اوت به پایان خواهد رسید ...



گزارش

صفحه رضائی

ادامه صفحه ۳

از حضور سنگین توافرد شب

پس منظر، خروج نظامیان امریکا از میدان هوایی بگرام

طیاره های که بر بزرگترین تدارکات امریکا فرو کوبیده شدند آن کشور را تا زرفنا و عمق شان نکان جدی بخشد با «عصبانیت» و «هیجان» توفنده راهی کشور افغانستان گردید، تا انتقام خویش را از القاعده و طالبان بستاند.

امریکا هم پیمانان نظامی و متعهدین خویش را نیز در این فرآیند مبارزه با تروریسم، انسجام بخشیده و به حرکت در آورد.

کشورهای عضو «اتو» به زعامت امریکا و با شعار مبارزه با تروریسم، جهانی وارد جغرافیای این کشور گردید و با حمله های وحشتناک نظامی؛ از طریق «هو» و «زمین» بساط تروریسم را به ظاهر در هم پیچید و آنها را متواری ساخته و جمعیت شان را متفرق و پراکنده کردند.

امریکا علاوه بر تهاجم وسیع نظامی و حملات گسترده ی مسلحانه؛ از حقوق زنان و اطفال، از آزادی، شایسته سالاری، دیموکراسی و تقویت جامعه مدنی سخن گفتند. جامعه استبداد زده افغانستان و مردمی که همیشه در اسارت حکومت های ملوک الطوائفی قرار داشتند، فریخته ی شمارهای فریبده ی امریکا شدند و آن را فرشته نجات، دانسته و پنداشتند که این بار افغانستان نوسعه پیدا کرده و استکشاف می یابد. و به مرحله ی از تکامل خواهد رسید.

عواملی که می توانست حضور وسیع امریکا را در افغانستان مشروعیت بخشد و فرآیند مبارزه با تروریسم بود، اما با سپری شدن زمان بیشتر در این ادعای امریکا شک و تردید های بوجود آمد و سرانجام ماهیت ادعا، شعار و نقش امریکا در مبارزه با تروریسم آشکار و هویدا گردید که امریکا با شعار «دو فریق» مبارزه با تروریسم، در مقام تقویت گروه های تروریست و منافع ملی خویش را در طلب پروری و در تقویت داعش و گروه های افراطی می پندارد.

یکی از اجتهاد های مهم امریکا برای طالب پروری، بر داشتن نقاب تروریسم از چهره ی آنها و بخشیدن وجه ی پسنندیده ی بین المللی به آنها بود، که این فرآیند از فیلتر پرورسی صلح قطر محقق شد و بعد از آن، همین پرورسی صلح، انگیزه ی مسافرت های سیاسی طالبان در کشورهای مختلف گردید و اعتبار جهانی را به دست آورده و دعوت های زیادی از آنها صورت گرفت.

امریکا با تمام تلاش های خویش نتوانست، طالبان را با خود داشته باشند و رقیبان سیاسی امریکا، کشورهای روسیه، چین و ایران نفوذ بیشتری بر دستگاه طالبان پیدا کرده و هر چه عمیق تر میزان آنها گردیدند از سوی دیگر، حکومت افغانستان را نیز نتوانستند بطور استراتژیک با خود داشته باشند و رابطه ی سیاسی امریکا با این کشور نیز مورد خشم و واقع شد.

هو شیاری و مغز پشرفته ی جناب؛ فرستاده یعنی ژلنی خلیل زاد نتوانست دستگاه دیپلماسی تا نام امریکا را سر و سامان بخشد، و در آخرین بررسی ها، خویش را غرق در باتلاق شکست تاریخی دیده و بدین بست های شکنجی و خست زده لش ساخته و سر انجام بدون کدام دستاورد عظامتی و قابل ملاحظه ای شب هنگام از میدان هوایی بگرام بسوی امریکا فرار کردند که بزرگترین اشیاء تاریخی امریکا و خطرناکترین خیانت برای این کشور محسوب می شود.

حضور امریکا و استراتژی آن از قبیل طالب پروری و فرار شیانه و ناپود ساختن تجهیزات نظامی شان، به نفع افشار ملی افغانستان هیچگاه قابل توجیه نبوده/ نخواهد بود، دولت مردان این کشور از امریکا سوال کنند که چرا بحران کشور را عمیق تر کرده و در سرانجام سقوط قرار داده است؟

عناصر جیز فهم این کشور درباره ی تجاوز روس ها، جنایات خلق و پرچم می نویسند و تاریخ را زنده نگه می دارند، اما درباره ی خلق بحران امریکا در افغانستان سکوت کرده و از حد پاراگراف های کوچک فراتر نمی روند، سزاوار است که حوادث بعد از شکست روس و نحوه بهر تمام نمودن و در مسخ ویرانه های تریسویس، قدرت پرستان امریکا در افغانستان را در قمار با امریکا به میدان گذاشتند، چهره ی آنها را آفتابی سازیم و دست کم نسل آینده را در جریان خیانت معامله امروز قرار دهیم. به قول شفق همرام، همان طور که شکست خوانند خروج شوروی توسط نیروهای معترض داخلی، باعث شد چیزی از آن خروج نظامی نیاموزند و کابل را تبدیل به کشتار گاه اقوام مختلف کنند، هنوز زنده هایی از معافه کردن خروج امریکا دیده می شود که امکان دارد نشانه های شناخت خروج امریکا را نیز مانند شوروی، مختل کنند. نه تنها دو طالبان، بل که در کش گران سیاسی حکومتی و غیر حکومتی نیز، نشانه هایی از عدم شناخت وضعیت دیده می شود؛ نشانه هایی که اگر هم چنان کنار هم قرار بگیرند، باز دیگر افغانستان را تبدیل به میدان جنگی اقوام مختلف خواهند کرد.

وضعیت پیش آمده، حساس است؛ نه تنها طالبان که خود را پیروز میدان می دانند، و تلاش دارند از راه نظامی به قدرت برسند، اعتماد بین اقوام مختلف به اندازه ی کافی، آسیب دیده و فعالیت دست های در پشت پرده، امکان عمل کردن این اقدامات بالقوه و ادا شدن آنها در این روزها، هر روز شایعه ای از توطئه در شبکهای اجتماعی دست به دست می شود؛ شایعه ای از دست های قومی، معاملات مستفی و مخالفت رهبران رهبران قومی و گروهی که هر کدام، طرفی برای باز تولید خشونت قومی و گروهی که هر کدام، طرفی برای باز فرآیند خروج نظامیان امریکا می باشد، برای کشتن گران سیاسی، نویسندگان و اهل حکومت می تواند، مجال باز اندیشی جدی و قابل تأمل باشد.

پیام حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان به مناسبت عید محرم قربان

پیام «حجج» و راز «سنت» ابراهیمی به جامعه اسلامی، همان مبارزه ی توحیدی با «شُرک» است. گرچه شرک امروز سنگ، چوب فلز و اشیاء قیمتی در قالب «بت» جلوه داشته اند، اما «شُرک» امروز، «شُرک» مدرن است، یعنی جامعه ی اسلامی امروز جبین بر آستان «بت» «قومیت»، «نژاد»، «قدرت»، «ثروت»، «زبان» و «سنت» می سایند. جامعه ی اسلامی با الهام از آئین حج و از سنت ابراهیمی، نحوه ی مبارزه با این «بت» های مختلف و رنگارنگ را بیاموزند. شگفتا آنهایی که بت قومیت، زبان و نژاد را می پرستند، چگونه ادعای پیروی از آئین حج و سنت ابراهیم را دارند؟

در حساس ترین برهه ای از تاریخ به سر می بریم که «پازل بسیار پیچیده و خطرناک» است. اگر نسبت به رویدادها، حوادث و راز «سیاست» های که بر ما تحمیل می شود؛ «بصیرت ژرف»، «خرد عمیق سیاسی» و «شعور ملی» نداشته باشیم، بازنده ی قماری خواهیم بود که «ایهت وسطوت» ما شکسته و از جمله ی «خوار شدگان امروز» و «مرد» لعن تأریخ و نسل فردا قرار خواهیم گرفت.

طعم تلخ فاحش ترین شکست را خواهیم چشید؛ زیرا که جامعه ی «عبرت سوز» هستیم و نه «عبرت آموز». ما فرآیندهای، معنوی و

حجج» را که جالش زیادی میگرد مورد اغفال قرار دادیم و به جای اینکه «اسماعیل های» خویش را در «هنای قدرت» قربانی کنیم، تمام ارزش های ملی و دینی و همه ی دستاوردهای فرهنگی و تمدنی خویش را قربانی «اسماعیل» های خویش ساخته ایم.

«تنهنه گان قدرت»، «گرسنه گان ثروت» و «شینه گان ریاست» با قابلیت های منفی برای «احراز» قدرت «کشور را در» ورطه ی «هائل» افکنده و حالت «مُهنایی» را از زیست - انسانی این مردم می ستاند و وارثان شهاده و حامسه سابق قرن از جستن منزلت عالی منصرف شده و به این وضعیت «خمول و انحطاط» راضی خواهد گردید.

با همه ی «عدالت سوزی ها»، «قومیت اندیشی ها»، «تعصب های کور نژادی» و «منفعت پرستی ها»، موجه ترین منطق برای زدودن جالش ها و شایسته ترین فرآیند برای رهایی از بحران های زمین؛ دستگاه حکومت، قدرت مداران و کارگزاران بلند پایه ی دولتی، باید پاسخ دهند که چرا در راستای انسجام ملی، حیات و تداوم ملی و هم چنان در گسره ای استراتژی خارجی خویش موفق و پیروز بوده ایم؟ چرا بازیگران قدرت نسبت به سرنوشت مردم و جامعه ی خویش احساس مسئولیت نکرده اند؟ آنها چه پاسخی خواهند داشت؟

ابوالحسن یاسر
رئیس حزب حرکت اسلامی متحد افغانستان

چگونگی نقش و جایگاه؛ حوزات حزبی در تحکیم روابط اجتماعی



در تحکیم هر بیشتری صلح و ثبات پایدار و نیز حل منازعات محلی مهم دانسته و حضار شرکت کننده جلسه را به مسوولیت پذیری و فعالیت بیشتر از گذشته

در این نشست جمع زیادی از برادران و خواهران که مسوولیت حوزات حزبی و نهادهای آموزشی را بر عهده دارند حضور بهم رسانیده بودند.

در آغاز محترم استاد ابوالحسن یاسر، طی سخنرانی کامل و همه جانبه، تغییرات و تحولات سیاسی و امنیتی کشور را که در روزهای اخیر در بسیاری از ولایات به وقوع پیوسته و روند سریع و غیر منتظره یافته است که موجب نگرانی شهروندان این سرزمین را فراهم کرده است به بحث گرفتند.

محترم استاد یاسر در فرآزی از صحبت های شان، نقش و جایگاه، حوزات حزبی و نهادهای آموزشی را

فرا خواندند.

سپس رئیس شورای ولایتی کابل، از چگونگی فعالیت های حزبی حوزات و نهادهای آموزشی گزارش مفصلی به این نشست ارائه کردند.

بعدها محترم محمد افشار معاون شورای ولایتی کابل جمع بندی موضوعات آجنده ای جلسه، بخشی از رونق فعالیت های حوزات و نهادهای آموزشی را بر شمردند و خواستار کار کردهای منظم و منسجم نهادهای یاد شده گردیدند.

این نشست با دعای رستگاری و ختم جنگ و ایجاد صلح عادلانه و همبستگی پایان پذیرفت.

دگر گونی ارزش هادر عصر پیامبر اسلام

عزیزالله طهماسی

آن حضرت در حدیث متفق فلسفه بعثت خود را چنین بیان داشته است: «انی بعثت لائمم مکالم الاخلاق» من بهر تمام نمودن و در مسخ ویرانه های اخلاقی بر انگیزه شده ام.

صلفی گفتار پیامبر رحمت می «را در واگزن شدن بسیاری ارزش های غیر انسانی که در زمان جاهلیت پیشا اسلام سیال بود، به وضاحت و عنایت تمام می توان دید. آری! برح و باواری ارزش های جاهلی یکی پس از دیگری فرو غلتانید و در مسخ ویرانه های آن ارزش های انسانی مبتنی بر «وحی» و «القدرت» سر بلند کرد. مردم با الگو گیری از «خلق غلیم» آن پیامبر راست ندانین و راست کردار، بهره وافر را نصیب خود ساختند، و در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی آنها را به کار بستند، که نامورهای پیشین را می توان برچسب سلاخت. البته این الگو برداری که همواره با رشد فکری بود سهم زنان کمتر از مردان بوده است. حتی در خیلی از موارد زنان چند گام بیشتر از مردان برداشته اند. که ایسک یکی از این «گام اندیشی» و «دگرگویی» به شرح زیر که معطوف به خود آگاهی است پیشکش میشود. البته با این خواست و امید که نسل معاصر و نسل های بعدی از آن نمونه برداری احسن نمایند.

«جویندر» یک برهه سیاه پوست بود، که عمر مفید خود را در خدمت برده دارن و گردن کلفتان سیاسی و اقتصادی گذراند، او از زمانگی مانی و امکانات تجاری بهره ی نداشت، اما با پذیرفتن اسلام و شرکت در جلیات نهمی رسول خدا، شخصیت مستقل، انسانی و اسلامی خود را بساز یافت.

رسول خدا این چنین رفتار کردید؟... ایهد پس از مشوره و صحبت با دخترش، خدمت رسول الله مشرف گردید. پیامبر جریان فرستادن جویندر را به لیدید گفت. لیدید عرض کرد: «اگر زلفا نخواهست؟» حضرت فرمود: «از قول من برایش بگو شوهر کن اگر نکرده مسوولیت تا شما ساقط است.» سر تمام مراسم ازدواج جویندر و زلفا با سرمایه لیدید برگزار گردید و جویندر تازه مسلمان شده از یمن و قبض اسلام مالک همه چیز گردید.

شبی که عروس وارد خانه داماد شد، جویندر از زیبایی و نعمت های که به واسطه اسلام برایش فراهم شده بود با خابلیش عهد بست که در سه شب رابه شکرانه خدا به نیایش و اقام نماز بپردازد. بعد از یکی دو شب زنان و دوستان زلفا سر و صدای دادند. پسر زلفا از جریان عدم همبست شدن جویندر با زلفا به رسون خدا شکایت کرد. پیامبر خدا جویندر را طلبید و به او گفت: «چرا با خاتم خود همبست نمی شوی؟» جویندر گفت: «با رسول الله می یک برهه بی همه چیز پیامبوست پیش نیومد به همین سبب مردم با رفتار و گفتار غیر انسانی، روزی که دانتن چنان انسان بیون محروم کرده بودند. اما از سوی که اسلام را پذیرفتیم و در رکاب شما خدمت گاریم، مالک همه چیز شدم وقتی در منزل با زلفا ورسو شدم، از برکت وجود شما، امکانات و تجملات زندگی فراهم شده و دیدم با خود گفتیم این همه نعمات داده شده بمن از بیعت و عظمت اسلام است، عهد کردم که سه شب به بیان نیایش بپردازم. حالا که زمان عهدم به پایان رسیده است با عروسم همبست می شوم.»

آنچه گفته آمدیم تبیین شده ی از آموزه های گرامی پیامبر اسلام بود که چگونه تأثیر گزافی اش تا زلفای دها را بر پیدا کرد و انقلاب ارزشمندی را در آفاق و نفس آدمیان عرصه نرول موجد گردید. که می تواند برای تمامی نسل ها در تمامی زمان ها و زمینه ها الهام بخش واقع شود.

اسلام سنتی؛

ایدئولوژیک و پسا ایدئولوژیک ...

سید یعقوب نودی

و پسا ایدئولوژیک تقسیم نمود که هر کدام نماینده و ساختارهای خود را در کشورهای مختلف اسلامی با

است. هدف را نشان میدهد اما رسیدن به هدف لزوماً نیازمند ایدئولوژی نیست، که میسود این مرحله در سر تکامل افکار اسلامی مرحله پسا ایدئولوژیک نامیده که ویژگیهای آن، عبارتند از عقل گرا، لبرالیست،



دین اسلام

مواضع همدیگر پذیر و کثرت گرا بودن است. دین را نیاز معنوی و معنا بخشی به فلسفه زندگی انسانها دانسته، راز بقا و رفاه زندگی را در رشد علمی و تکنیکی و اقتصادی جهان دیده به جدایی دین از حکومت با عقلانیت سیاسی و استقلال منطقی رسیده اند.

خلاصه اینکه وجود این سه تیپ در جوامع اسلامی کاملاً وضاحت دارد.

به هر حال پارادایم اسلامی مدنی و پسا ایدئولوژیک تناسب معنایی با عقلانیت و پیشرفت زمان و عصر تکنالوژی داشته می شود. گفتمان متمر و سازنده را در زمینه ایجاد نموده، به خصوص بعد از جنگ سرد که تمام ارتباطات و دیپلوماسی کشورهای جهان از بنیاد عوض شده: رشد تکنالوژی ارتباطات جمعی هیچ سرحد را به رسمیت نمی شناسد و حتا وارد حریم خصوصی مردم و خانواده ها گردیده، پس باید پذیرفت همانطور که اسلام در گذشته با نجوم فلسفه و منطقی یونان وارد تعامل دو جانبه شد و تمدن بزرگ ایجاد نمود، اکنون هم می شود تعامل دوجانبه بین اسلام و تمدن امروزی ایجاد کنیم، این زمانی میسر است که عالم دین در زمان حال زنده گی کند و آشنایی و درک عمیق از رشد علمی و درک فلسفی جهان امروز داشته باشد تا بتواند تناسب معنایی و محتوایی بین دین و مدرنیته بوجود آورد زیرا فرایند تکامل در حقیقت و خروج تدریجی مراحل مختلف

زنده گی بهتر و کمال انسانی، انسانها از قوه به فعل است، پس نمی شود با این روند و فرآورده های آن در مخالفت قرار گرفت، اما از آنجایی که ما از نظر رشد تاریخی به مرحله گذار از سنت به مدرنیته هستیم، اصطلاحک ارتش های کهنه و جدید طبیعی گسست های فکری و خلاقهای فرهنگی و چالش های برنامه بی را در موازات زنده گی اجتماعی و فرهنگی نسل کنونی بچسود آورده که

ما را به اندیشه گریسی، خرافات زدایی و چالش گزینی ارتش ها و فرآورده های عقلایی و مثبت امروزی به جای سنت های کهنه زمانی ناگزیر می سازند چون جهان و انسان امروز عوض گردیده؛ از ویژه گی های انسان امروزی اینست که انسان شناسی اش مقلد بر دین شناسی اش است، انسان امروز اسلام را از عینک انسانی نگاه نموده و می داند که راهبرد و غایت اسلام تکمیل مکالم اخلاقی و تأمین عدالت

است، نه ظاهر شریعت و برقراری حکومت اسلامی، روشن فکران مسلمان امروز جهان و طبیعت را دست و خوار نه شمرده بلکه احساس پیوند ذاتی با آن نموده برای تسخیر آن به جای میتافزیک ذنبال فزیک میروند. پس روشنفکران مسلمان وظیفه دارند که پل را بین میتافزیک عصر سنت و فزیک عصر مدرن ایجاد کنند، تصور این که معرفت دینی مسلمانان گذشته معرفت ثابت و کامل بوده تصورست که ما را در گذشته نگه می دارد و ما را از زمان خودمان دور می سازد چون ما برعکس آنها نیازمندی به الگوهای زمانی خود داریم، فلسفه به ما می آموزد که تغییر و تکامل هم در ظاهر و هم در ذات وجود هر هستی به گونه سیال جاریست، چنانچه حرکت در مسیر فطرت حرکت به سوی کمال بوده ذاتاً این حرکت ارتقا یی ست، یعنی در این مسیر مراحل بعدی کامل تر از مراحل قبلی ست، ایستایی وسکون در این روند وجود ندارد، کاروان تغییر و تحول همراه با زنده گی بشر به پیش می رود اساساً تکنالوژی تخصص و منجمت پاسخگوی نیاز های مادی و رفاهی جامعه گردیده و در حوزه علوم نظری پایه های معرفت دینی بشر روز نازوی عقلایی تر شده، هیچ تصدیق بدون استدلال عقلی در ساحت علوم انسانی پذیرفتنی نیست و معنی جز دکماتیزم ندارد، اعتقادات دینی هم، دیگر مانند گذشته تعینی محض بوده نمی تواند، باید مبانی عقلایی و استدلالی را همچنان با خود حمل کند.

دفاع بایدن از تصمیم فروپزیرهای آمریکا از افغانستان

کریش صفیه رضانی

قدرت گرفتن طالبان در افغانستان را رد کرد و گفت ۷۵ هزار نیروی طالبان به هیچ وجه به ۳۰۰ هزار نیروی امنیتی افغانستان برابری نمی کنند. حتی بعد از خروج کامل نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان انتظار می رود ۶۵۰ الی هزار نیروی آمریکایی



برای دفاع از فرودگاه کابل، سفارت آمریکا و دیگر ساختمانهای مهم دولتی در این کشور خواهند ماند. نظرسنجی های تازه در آمریکا حمایت گسترده مردم از خروج نیروهای این کشور از افغانستان را نشان می دهند اگرچه رای دهندگان جمهوری خواه تردید بیشتری به

آقای بایدن چهارمین رئیس جمهوری آمریکاست که بر چنگ در افغانستان نظارت دارد و گفته است سرعت خروج نیروهای نظامی از افغانستان به نجات جان افراد کمک می کند.

سختگیر آقای بایدن درحالی انجام شده که ششدهفتاد میلیون طالبان مناطق بیشتری را در افغانستان تصرف کرده اند. نیروهای آمریکا در پی حمله یازدهم سپتامبر در خاک این کشور، جنگ در افغانستان را آغاز کردند و نیروهای نظامی این کشور نوزده سال است که به این جنگ ادامه می دهند.

اوایل سال جاری آقای بایدن سیازده سپتامبر را ضرب الاجل خروج نیروهای آمریکا از افغانستان اعلام کرد و اما این زمان بعد از

پیروزی آقای بایدن به تعویق افتاد.

آقای بایدن در سخنرانی خود در کاخ سفید گفت یک سال دیگر جنگ در افغانستان راه حل ماجرا نیست، تنها نسخه ای برای ادا به نهایت جنگ است. آمریکا در عین حال ناگزیر خواندن رئیس جمهوری

درستی این تصمیم دارند

رییس جمهوری آمریکا گفته است دولتش در تلاش است تا مترجمان و سایر افغانهایی را که برای دولت آمریکا کار می کردند از این کشور خارج خواهد کرد. آقای بایدن گفته است تا امروز ۱۵۰۰ ویزای ویژه مهاجرت برای خروج این عده از افغانستان صادر شده است آنها تیزی از این عده از افغانستان خارج شده اند.

ماه گذشته رییس جمهوری آمریکا طی دیدار با رهبران افغانستان در کاخ سفید وعده داد کمک به این کشور ادا می یابد. کنگره به این کشور خارجی مستقر در افغانستان، پیشانی ضرب الاجل خروج آمریکا این کشور را ترک کرده اند. اشرف غنی، رییس جمهوری افغانستان، تأکید دارد که نیروهای امنیتی این کشور توانایی مقابله با شورشیان را دارند اما گزارش ها حاکی از آن است که هزاران سرباز افغان برای برپیز از درگیری با طالبان به کشورهای همسایه پناهنده شده اند.

اوایل هفته جاری سهولت شاهین سخنگوی طالبان به بی بی سی گفت این گروه مسئول افزایش خشونتها در هفته های اخیر نیست. به گفته آقای شاهین بسیاری از ولایت های افغانستان پس از آن در اختیار طالبان قرار گرفته اند که نیروهای افغان حاضر به جنگ نشده اند.

ایش

نگاهی به آسیب شناسی اجتماعی

شاه جهان احمدی

صد درصد یکی می شوند و نه هیچ گاه صد درصد مقابل هم قرار می گیرند. در نتیجه رفتار ما در جامعه، مطابق هیچ کدام از آنها نیست، به عبارت دیگر فرد به عنوان عضو جامعه در حالی که همیشه یک مقلد محرومیت و سرکوبی تمایلات شخصی را می پذیرد، همانطور هم همواره مقلدانی از هنجارها و الگوهای فرهنگی جامعه خود فاصله می گیرد که همین حالت دوم را تحريف طبیعی می نامند. (۲)

جامعه شناسان به این باورند که کارهای یک سازمان در ساختار غیر رسمی بهتر انجام می شود و بهره دهنی آن بیشتر است و این خود نشانگر آن است که در عمل مقدار تحريف از آن منطقی ایدله آل فرهنگی، نه فقط طبیعی است بلکه گاهی لازم است. (۳)

۸. کج روی سازنده چنانچه فرد با گروهی با اطلاع و آگاهی کامل از ارزش ها و هنجارهای جامعه خودی، ارزش ها و هنجارهای نوبی بیافریند که برتر از قبلی باشد و جامعه را به سوی پیشرفت و تعالی سوق دهد. چنین تحرفی را کج روی سازنده می گویند، زیرا اگر جامعه همواره الگوهای فرهنگی خود را موهو اجرا می کرد، فرهنگ و تمدن بشری ایستاد می ماند. کج روی های سازنده یا مثبت ممکن است از تمام جبهه های زندگی اجتماعی، اعم از سیاسی، نظامی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و... بدین اید.

چنانچه در شرح حال پیامبران (ع) و مردان بزرگ تاریخ آمده است که همه آنها از بزرگترین کج رویهای جامعه زمان بوده اند. مثلاً: مقدسان در نظام ارزش های دینی، قهرمانان در نظام جنگی، رهبران در نظام هنری، مدیران و رئیس کارخانه ها (فابریکات) در نظام تولیدی از بی نوآوری های سر می آیند و با کارهای خارق العاده خود نظام ارزشی جدیدی را به جامعه ارز می می دارند. انقلاب ها، جنبش ها، نهضت ها و نوآوری های بزرگ، همه نمونه هایی از تحريف سازنده اند. (۴)

بدین ترتیب، جامعه شناسان، نوآوران اجتماعی، اقلیت های سیاسی و انقلابیون را که رفتار ظاهرنا سازگار با هنجارهای جامعه دارند از آنها نابهنجار نمی نامند زیرا که این خود بستگی تام به سازندگی و موثر بودن عقاید و فعالیت های آنان در دراز مدت دارد. (۵)

از منظر دیگر برخی از جامعه شناسان، تحريفات و کج رفتاری های افراد را به سه دسته تقسیم می کنند.

۱. تحريفات خاص: این نوع تحريفات به هر گونه ضعف و خصوصیت گفته می شود که به لحاظ آماری غیر معمول و متفاوت و کج لحاظ رفتاری از تیپیک باشد. مثلاً: کوتولگی (قد کوتاه)، بازیکنی با سبکبال که دو متر و سی سانتی متر قد داشته باشند، باغچه ها، چیدمان، آدم خیلی جاق یا لاغر، شاگرد اول و همه این دانشجویان آنها معمولاً بنا به تعریف فوق، منحرف محسوب می شوند اما آشکار است که چنین تعریفی چندان دقیق و درست نیست و ایرادهای ذیل به آن وارد است:

الف. رفتار غیر معمول لزوماً وسیله دیگران، رفتار غیر اخلاقی محسوب نمی شود.

ب. حتی اگر رفتار غیر معمول به لحاظ آماری (احصایی) ابعاد اخلاقی هم داشته باشد، چنین رفتاری وقتی در گروه تحريفات قرار می گیرد که قانون آنها را متخلف کرده باشد.

ج. اغلب رفتاری که به لحاظ آماری تحريفات خوانده می شود، به هیچ وجه جامعه را تهدید نمی کند و به کسی آزار نمی رساند. در اخلاق را این توان با سر شماری تعریف کرده و تشخیص داد یا اینکه اگر چند نفر یک نوع عملی را انجام می دهند، نمی توانه ملاک درستی آن است. (۶)

۲. تحريفات رفتاری (کار کردی): برخی از جامعه شناسان معتقدند که اگر بتوان فهمید که ارزش های یک جامعه را چه خطر نمی تهدید می کنند، آن گاه می توان فهمید که کدام رفتار تحريف یا ضد آن ارزش هاست.

مثلاً: رفتار مردم که ارزش های آزادی بیان را تضییع می کند اما پولیس به ظاهرات عمل کرده در افراد را تحت کوب می کنند، از نظر این دسته از جامعه شناسان، این رفتار پولیس تحريف است، زیرا ارزش های جامعه منحرف و حتی مخالف مقرراتی است که طرز برخورد پولیس با یک تظاهرات و گرد همایی را مشخص می کند، حال آنکه مردم عوام احتمالاً رفتار پولیس را در این مورد تحريف نمی دانند. از سوی دیگر توده مردم ممکن است کسانی را که تریاک می کشند، منحرف بدانند و عمل آنها را تهدید برای بقای جامعه تلقی کنند، حال آنکه جامعه شناس احتمالاً مسئله و مشکل عمیق تر مثل مفاسد اقتصادی را تهدید جدی تر برای جامعه می داند و توجه خود را بیشتر بر مفاسد اقتصادی متمرکز و معطوف می دارد. دو ایراد در زمینه دیده می شود.

الف. فرض که نوع رفتار معینی، ذاتاً تحريف است یعنی خود رفتار صفتی دارد که آتراً تحريف و غیر آنرا هم توانی می سازد.

ب. احتمالاً که مردم مورد ارزش های جامعه توافق دارند. (۷)

۳. تحريفات ارزشی: این نوع تحريفات برقراری اندکی که یک گروه می آن موفق می شود، با مبانی اخلاقی خود را بر جامعه و قوانین آن تحمیل کند، تأیید دارد. از این دیدگاه رفتار تحريفی، رفتاری است که یک گروه بنیاد، جامعه را به پذیرش رسمی تحريفی بودن آن نوع رفتار مجبور می کند. این گروه معتقدند که هیچ رفتاری ذاتاً تحريفی نیست و هیچ رفتاری در همه این زمانها و مکانها تحريف محسوب نمی شود. بیرون این دیدگاه، تحريف را برجسبی می دانند که بعضی مردم بر رفتاری که مورد تأییدشان نیست، می زنند. به بیان دیگر آنها مدعی هستند که رفتار تنها به این دلیل تحريف محسوب می شود که منع قانونی دارد و عقیده ندارند که رفتار خاص، تنها به دلیل تحريفی بودن آن ممنوع شده است.

به این دیدگاه نیز ایرادهایی وارد شده است، مثلاً این نوع نگاه به این می ماند که گفته شود، مرغ چیزی است که تخم می جھا تخم می جھا تولید مثل خود، از آن استفاده می کنند. (۸)

منابع: ۱. ستاری، ۱۳۹۱، ۱۵، ۴۴-۴۵، ۲. شیخاوندی، ۱۳۹۳، ۱۳، ۳. ناصری، ۱۳۸۸، ۵۷، ۴۰. ملایری زاده، ۱۳۵۸، ۱۷، ۵. باهنی، ۱۳۸۸، ۲۲، ۶. مینس، ۱۳۸۶، ۳۳، ۷. مینس، ۱۳۸۶، ۳۳، ۸. صدیق سروسنتی، ۱۳۸۷، ۱۵-۱۰

اسلام سنتی؛

ایدئولوژیک و پساایدئولوژیک

سید یعقوب نوید

چیستی و چرایی اجلاس؛ تهران ۱۴۰۰

شیخ مشكور كابلې

صبح روز چهارشنبه ۱۶ سرطان ۱۴۰۰، ناگهان طالبان با میزبانی آقای ظریف در برابر هیات گفتگو کننده دولت و نظام افغانستان البته با ترکیب جدید قرار گرفتند. سوال اینجاست که در اوج پیشروی های میدانی و سقوط زنجیره ای ولسوالی های متعدد چه چیزی طالبان را به تهران کشاند؟

جهان در مجموع سه مرحله، سنت، مدرنیته و پسامدرنیته را تجربه نموده جامعه ما فعلاً در حال گذار از سنت به سوی مدرنیته است، ساختار شکنی و تغییر ساختارهای فرهنگی اجتماعی گریچه ویزه گسی جوامع پسمادرن است، از طریق تکنالوژی ارتباطات جمعی همزمان با



مدرنیته وارد زندگی روزمره ما شده، نه اینکه این تغییرات محصول رشد درون ساختاری و فرایند تکاملی و تاریخی جامعه ما بوده باشد. پس در چنین حالت طبیعتاً کنشها و واکنشهای گفتمانی و رفتاری خشن و عامیانه که از ویژگی های جوامع عقب مانده و بسته است در مقابل ارزش ها و مفاهیم جدید تبارز می کند، چنانچه کنار آمدن با شرایط جدید و کنار گذاشتن سنت های تاریخی ساختار های روحی و روانی جامعه را به چالش کشیده و پارادایم تحول و تغییر که محصول تکامل جوامع پیشرفته است.

در جوامع عقب مانده به بحث هویت تاریخی و فرهنگی مبدل شده به نام حفظ هویت دینی فرهنگی روحیه تمدن ستیزی را زیر نام اسلام گرایی در بین عوام بوجود آورده، در نتیجه خلای فکری فرهنگی را در جامعه سبب گردیده و گفتمان تغییر و تحول را جانشین بحث های معرفتی، فلسفی و علمی ساخته و باعث گردیده که عوام در موضع دفاع از افکار و اندیشه های سنتی به نام دفاع از هویت دینی و فرهنگی با هر گونه تغییر و دگراندیشی سازمانگاری و زبان طعنه لعن و کینه ورزی را در پیش گیرند، در حالیکه جوامع بشری و تمام نهضت های فکری در سراسر جهان در امتداد زمان همیشه دستخوش تغییر، تحول و دگرگونی بوده و است، به گفته تونین بی، تاریخ چیزی نیست مگر ظهور و افول تمدن ها و فرهنگ ها، اسلام هم در اول منحیت یک نهضت و یک جنبش اعتقادی و توحیدی یا به عرصه وجود گذاشت و در امتداد زمان وسعت جغرافیایی یافته نفوس آن رشد کرد و ساحه نفوذ آن بزرگتر از هر امپراتوری جهان گردید و در تعاملات اجتماعی و فرهنگی با کشورهای مختلف، دچار قبض و بسط های معرفتی، فقهی، کلامی، فلسفی و عرفانی فراوان شده در بستر زمان با قبول، تغییر و تحول به تدریج از حالت نهضتی بیرون شد و در امتداد زمان و مبتنی بر مقتضای زمان مبدل به فرهنگی و تمدن گردید و صفحه جدید و تمدن بزرگ را در دل تاریخ از خود به یادگار گذاشت، پس مبارزه با ارزش های تمدنی و فرهنگی که تکامل آورند در هیچ زمانی معقول و مقبول نیست، به خصوص در عصر کنونی نمی شود بی ارتباط با جهان علم و تکنالوژی چون کرم به دور خود بچسبید و دلایله لای افکار و اندیشه های گذشته گان بی خیال آریامنه زرا ایستایی و ماندن با سببالت ذاتی و فکری بشر هماهنگی ندارد، در جهان امروز گفتمان سنت و مدرنیته متناسب با پیشرفت تکنالوژی و ارتباطات جهانی بحث ها و وسولات فراوان را مطرح نموده بخصوص علوم انسانی و معرفت های بیرون دینی، تغییرات عمده در ساختارهای فکری بشر و طرز نگاه انسان امروز به انسان و جهان ایجاد نموده، که با گذشته قابل مقایسه نیست، دیگر نمی شود با جهان شناسی و انسان شناسی گذشته و فهم سنتی دینی بسراغ تحلیل و تفسیر شرایط پدیده ها امروز رفت، مسلمانان امروز به کارهای تحقیقاتی و اجتهادی علمای اسلامی که از نظر فکری و روحی در این عصر زنده گنی کنند نیازمند اند، نه آنها که به نام دین در گذشته تاریخ زندگی میکنند، عقلانیت را نپذیرفته عقل را قربانی نقل نموده معرفت دین را مانند خود دین ثابت تصور کرده بین اسلام و مدرنیته پارادوکس ذاتی ایجاد و خط قرمز میکشند، در حالیکه به گفته روحانی دگر اندیشه هست، کدیور (ویژه گی اصلی دوران جدید) سکولاریسم عقل انسانی است، عقل نقاد هیچ خط قرمزی را به رسمیت نشناخته و از همه چیز حنا اموری که در گذشته غیر قابل پرسش بوده، پرسیدن آغاز کرده است، انسان معاصر به بسیاری امور پی برده است که در گذشته در هاله ای از رمز و راز رها شده بود، این به معنای آن نیست که



اگر روی آوردن این دو مجموعه به محور جدید ایران و شرکا، به خاطر این مولفه ها باشد، ممکن صلح دست یافتنی باشد و چنانچه پیش بینی می شد ج.ا.ایران برای ایجاد دولت فراگیر متشکل از طالبان و دولت جمهوری اسلامی افغانستان تلاش هایش را به نتیجه برساند.

به گونه ای که نه افغانستان به دو یا چند حوزه قومی و سیاسی و امنیتی تجزیه شود، نه هم شمال کشور محل احداث پایگاه های تروریست های متورای سوریه شود، و هم خروج امریکایی ها به عنوان عامل اساسی بحران بیست ساله اخیر، نقطه پایان امنیتی افغانستان شود.

ولی آنچه مهم است بررسی این مساله است که در وری این فرضیه، امریکایی ها چه خواهند کرد؟ سهم پاکستانی ها و روس ها از این سفره چه خواهد بود؟ آنچه مهم است تذکر این نکته است که هم برای دولت و هم طالبان بهترین شریک مطمئن ایران اسلامی خواهد بود. احساس می شود هم دولت و هم طالبان متوجه شده اند که اصرار بیشترشان بر حذف مطلق همدیگر یقیناً زمینه ظهور زامبی های داعش را در جغرافیای افغانستان تسریع و تثبیت خواهد نمود.

در روز های آینده معلوم خواهد شد که آیا شمیم وزیده صلح از تهران تبدیل به باران رحمت برای مردم افغانستان و طوفان بنیان کن برای تروریست های ناخوانده خواهد شد و یا خیر؟
منتظر روزهای آینده می مانیم.

چهارم: خیز برداشتن ترکیه برای تصرف فرودگاه کابل و ترانزیت تروریست های فراری سوریه به افغانستان و سپس آسیای مرکزی.
پنجم: حصول هماهنگی نزدیک و غیر قابل پیش بینی بین تیم های رقیب و متخاصم غنی و عبدالله تا سرحد تغییر مدیریت وزارت دفاع و تغییر برخی از راهبردهای امنیتی.

ششم: رودست خوردن هر دو جبهه متخاصم از امریکایی ها، احساس می شود که طالبان و هم دولت مرکزی کابل هر دو از دوستان امریکایی و پاکستانی خویش هم رودست خوردند و هم نفاق آشکار دیدند با اینکه امریکایی ها با دولت مرکزی بیش از ۲۰ پیمان نظامی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی بسته و هم چنان وعده حمایت مالی و نظامی از طالبان را نموده بود ولیکن هر دو جبهه متوجه نفاق، تخلف و شیطننت امریکایی ها شدند!

مثلاً به شکل بسیار شرم آوری امریکایی ها فرودگاه بگرام را مثل دزدها و شبانه ترک کردند که گویا نیروهای افغان در هسایگی میدان هیچ خبر نشدند و یا طالبان شاهد حملات ادامه دار هواپیماهای امریکایی در سرکوب طالبان.

چرا طالبان بعد از تعطیلی صلح خانه قطر سر از تهران در آوردند؟
این اجلاس چقدر می تواند شعله های افروخته جنگ را در تابستان داغ ۱۴۰۰ خاموش خواهد نمود؟
چرا با اینکه توافق بر اجلاس استانبول بود ولیکن هیات با صلاحیت طالبان با محوریت ایران و بدون حضور امریکایی ها و روس ها و پاکستانی ها و عرب ها میزبانی ایرانی ها را در یک دیداری ناگهانی پذیرفتند؟

شاید چند مولفه مهم طالبان و دولت را وادار به چنین چرخش سریعی و مسافرت به تهران نموده است!
یکم: ورود مزاحمان داعشی در شمال و توسعه سریع جغرافیای داعش در شمال بر خلاف توقعات و با پیش بینی های محاسبه شده بین طالبان با امریکایی ها و پاکستانی ها!

دوم: خیزش های وسیع مردمی و تغییر راهبرد امنیتی حکومت در حمایت و توسعه این بسیج ملی.
سوم: ادامه حملات هوایی توسط امریکایی ها و هم چنان توانمند شدن نیروی هوایی و وارد کردن ضربات سنگین بر گروه سرخ و ضربتی طالب.

که تفاسیرشان از دین برای تمام عصر ها و نسل ها کافیتست، با این حس خود کفایی کاذب نمیشود با فرآورده های تمدنی و فرهنگی جامعه امروز سر ناساز گاری گرفته جلو زایش ها و نوآوری های فکری فلسفی را گرفت و آب در آسیاب خرافات، دگم اندیشی، و مناسبات کهنه قرون اوسطایی ریخت . اما اگر فق دید خود را عوض کنیم، متوجه می شویم که متناسب با رشد فرهنگ و تمدن بشری در مسیر تکامل از مرحله سنت به مدرنیته و امروز با نقد مدرنیته وارد مرحله پسمادرن گردیده، اما اگر از این زاویه به جهان اسلام نگاه کنیم متوجه میشویم که معرفت دینی ما هم متناسب با زمان متاثر از معرفت های غیردینی و شرایط سیاسی اجتماعی همیشه در تحول و تغیر بوده که میتوان در کل این مراحل را به اسلام سنتی ایدئولوژیک...

بشر امروز همه چیز را می داند و مجهولری برایش باقی نمانده است، برعکس هم به قلمرو دانش او افزوده شده هم به عمق و گستره جهلش بیشتر پی برده است، متوراهه می پرسد، متواضعانه پاسخ می دهد، هیچ عالم دین نمی تواند خود را از تحقیقات جدید عقلی از قبیل روش تحلیل محتوا، روش تأویل متن (هرمنوتیک)، فلسفه دین و اخلاق بی نیاز داند). پس متناسب به تغییرات و دست آورد های علمی و فلسفی امروز نمی شود به معرفت دینی و تفاسیر گذشته گان به تصور اینکه افکار آنها دینی تر و خالص تر بوده تکیه کرد و تصور نمود که آنها از عینک کاملاً دینی به جهان و انسان نگاه میکردند، در حالیکه چنین فکری اشتباه بزرگ است آنها هم مانند ما از عینک آگاهی و دانش روز شان به دین نگاه میکردند، پس نباید تصور کنیم